

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



YRD. DOÇ. DR. RAMAZAN DURAN
KİTÂB-I DÜSTÛR-I ŞÂHÎ FÎ-HİKÂYET-İ PÂDİŞÂHÎ

Yayın Yönetmeni
Sadettin Bayrak

Yayın Editörü
Prof. Dr. Hasan Kavruk

Kapak Tasarımı
Hüseyin Özkan

İç Tasarım
Özlem Özkan

Baskı ve Cilt
Çalış Ofset
Davutpaşa Caddesi Yılanlı Ayazma Sokak
No : 8 Örme İşhanı Topkapı/İstanbul
Tel : 0212 493 11 06

Birinci Baskı
Nisan 2016

ISBN : 978-605-9100-97-7
T.C. Kültür Bakanlığı Yayıncılık Sertifika No: 11805

KESİTYAYINLARI

Ankara Caddesi No: 15 Konak Han Kat: 1
Hobyar Mahallesi Cağaloğlu/İstanbul
Tel : 0212 512 56 33 / 0212 511 68 28
Faks : 0212 512 56 63
web : www.kesityayinlari.com
e-mail : kesit@kesityayinlari.com

© KESİT YAYINLARI

Tüm Hakları Saklıdır. Yayınevinin izni olmadan kopyalanamaz ve çoğaltılamaz.
KESİT YAYINLARI, Karbey Yayıncılık Eğitim ve Dan. Hiz. San. Tic. Ltd. Şti. kuruluşudur.

11 Ocak 2018

247744
Şeyhoğlu (181887)

YRD. DOÇ. DR. RAMAZAN DURAN

Şeyhoğlu Sadrüddin Mustafa

KİTÂB-I DÜSTÛR-I ŞÂHÎ FÎ-HİKÂYET-İ PÂDİŞÂHÎ

(İnceleme-Tenkitti Metin-Tıpkıbasım)

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	247744
Tas. No:	7167 11/11

İstanbul, 2016



خواجه مسعود (xā.je.mas.ūd)، مسعود فرزند احمد، ز ۷۵۵ ق، شاعر و مترجم عثمانی. از زندگی وی آگاهی در دست نیست. صدرالدین مصطفی شیخ اوغلو (۱۳۴۰ - ۱۴۱۰م) در اثر مشهورش، کنزالکبری، نقل قول‌هایی از او با عنوان «استاد خواجه مسعود می‌فرمایند» آورده است. از شیوه بیان شیخ اوغلو در این اثر برمی‌آید که از شاگردان خواجه مسعود بوده است. چون شیخ اوغلو در گرمیان بالیده، احتمالاً خواجه مسعود نیز چندی در گرمیان به سر برده است. از خواجه مسعود دو اثر به جا مانده که یکی مثنوی سهیل و نوبهار در پنج هزار و هفت صد و سه بیت است که گویا ترجمه‌ای از اثری به فارسی است. اصل این مثنوی در دست نیست. هزار بیت نخستین سهیل و نوبهار را عزالدین احمد سروده و باقی از آن خواجه مسعود است. این اثر در ۷۵۱ ق/۱۳۵۰م نوشته شده و در آن ابیاتی به تأثیر از شاهنامه فردوسی آمده است. دیگری فرهنگنامه سعدی است که ترجمه گزیده‌ای از بوستان سعدی در قالب مثنوی در هزار و هفتاد و سه بیت است و مؤلف آن را در ۷۵۵ ق/۱۳۵۴م به انجام رسانده است. این اثر که نخستین ترجمه بوستان به ترکی است، در بررسی‌های تاریخ زبان جایگاه بلندی دارد. فرهنگنامه سعدی با مقدمه و حاشیه و تصحیح رفعت کلیسی و ولدچلیب ایزبوداق به چاپ رسیده است (استانبول، ۱۹۲۴م).

منابع: تاریخ عثمانی، ترجمه نوبخت، ۸۲/۱؛ ذکر جمیل سعدی، ۳۲۶-۳۲۷؛

Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi, 4/248; Türk dili ve edebiyatı hakkında araştırmalar, 174; Türk edebiyatı ansiklopedisi, 2/502; 3/646; Türk edebiyatı tarihi, 1/383-384; Türk kültürü ve edebiyatı, 215, 216-217; Türkiye diyanet vakfı İslam ansiklopedisi, 18/189-191.

محمدی

خورشیدنامه (xor.šid.nā.me)/ خورشید و فرخشاد، منظومه‌ای حماسی به ترکی، نوشته صدرالدین مصطفی شیخ‌زاده (۷۴۱ - ۸۰۹ ق). مؤلف اثر خویش را درباره فرخشاد، پسر پادشاه مغرب و خورشید دختر سیاوش، شاه ایران، سروده است. شیخ‌زاده نخست بر آن بوده تا این اثر را به نام سلیمان‌شاه، امیر گرمیان، بسراید، اما پس از درگذشت سلیمان‌شاه، آن را به داماد

این، تاکنون نسخه‌ای از لیلی و مجنون خلیل زرد به دست نیامده است.

منابع: تذکره الشعراء، حسن چلبی، ۳۴۶/۱ - ۳۴۷؛ عشاقی مؤلفی، ۱۶۲/۲؛ قاموس الاعلام، ۲۰۶۰/۳؛ کشف الظنون، ۷۲۴/۱؛ ۱۵۷۱

A history of Ottoman poetry, 2/173; 3/159-160; Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi, 4/48; Türk edebiyatı ansiklopedisi, 2/589.

رضایی‌منش

خنکارنامه (xon.kār.nā.me)/تواریخ آل عثمان، منظومه‌ای به فارسی در شرح نبردها و پیروزی‌های سلطان محمد فاتح (۸۴۸ - ۸۵۰؛ ۸۵۵ - ۸۸۶ ق)، سروده میرسیدعلی مظفر توسی، متخلص به معالی. رفعت یالچین بالاتر این منظومه را از روی نسخه دست‌نویسی از آن که به شماره ۱۵۵ در کتابخانه مرزۀ توپقاپوسرای نگه‌داری می‌شد، تصحیح کرد و به چاپ رساند (استانبول، ۱۹۹۲م).

منابع: زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ۱۴۵؛ محمد کانا، «شاهنامه خوانی و شاهنامه‌نویسی در امپراتوری عثمانی»، آشنا، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۴ ش، ص ۳۱؛ داود اصفهانیان، «نسخ خطی تاریخی به زبان فارسی در کتابخانه توپقاپوسرای استانبول»، بررسی‌های تاریخی، سال هفتم، شماره ۶، ۱۳۵۱ ش، ص ۳۰۵

Topkapı sarayı müzesi, 12/482-483.

رشوزاده

خواجه جان پولادزاده، ابراهیم ← ابراهیم ارزرومی

خواجه رحمی، فرزند احمدافندی ← رحمی افندی

خواجه زاده افندی، فرزند خواجه سعدالدین ← اسعدافندی

خواجه سعدالدین افندی ← سعدالدین افندی

خواجه کریم، فرزند حسین آماسیه‌ای ← کریم افندی

ایلدرم بایزید اتحاف کرده بود، اما نسخه‌ای از این کتاب در دست نیست؛ ترجمه مرزبان‌نامه به ترکی؛ ترجمه قابوسنامه به ترکی. وی همچنین خسرو و شیرین شیخی را که ناتمام مانده بود، به پایان رسانید.

منابع: تاریخ عثمانی، ترجمه نریخت، ۵۹۴/۱-۵۹۵؛ تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب‌ولی، ۶۰-۶۱، ۶۲۷-۶۲۸، ۶۳۷؛ عثمانی مؤلفی، ۱۲۱/۲-۱۲۲؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۱۴۳-۱۴۴؛

A history of Ottoman poetry, 1/427; *Encyclopaedia of Islam*, 9/41; *Hürşid-Nâme*; *Islam ansiklopedisi*, 11/481-485; *Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi*, 4/269-271; *Türk edebiyatı ansiklopedisi*, 4/1078; *Türk edebiyatı tarihi*, 1/384-385.

رسولی

شیخ غالب، شیخ محمد اسعدده ← غالب

شیخ وفا، مصلح‌الدین مصطفی ← وفا

شیخی، عبدالمجید فرزند محرم ← عبدالمجید سیواسی

شیخی (Şeyxi)، یوسف‌ستان‌الدین، - ۸۳۵ ق، شاعر، عارف و پزشک عثمانی. در روزگار بایزید یکم عثمانی (۷۹۲-۸۰۵ ق) در کوتاهیه به دنیا آمد. دانش‌های مقدماتی را در بوزسه نزد احمد داعی (- ۸۲۴ ق) آموخت. پس از آن از مخضر حاجی بایرام‌ولی، پایه‌گذار طریقت بایرامیه و رهبر دراویش بایرامی، بهره جست. در جوانی به ایران سفر کرد. یک چند در گرگان و طبرستان به سر برد و تصوف، نجوم، ریاضی، حکمت و پزشکی را در آنجا فراگرفت. با سید شریف جرجانی معاصر و معاشیر بود. در بازگشت به آسیای صغیر از مریدان حاجی بکتاش‌ولی (- ۷۳۸ ق) شد. همچنین در عطاری خود به پزشکی و داروسازی می‌پرداخت و پزشک و مصاحب امیر یعقوب بیگ دوم، از امرای گرمیان (۷۹۰-۸۳۲ ق)، شد. پس از آن که بیماری چشم محمد چلبی (بعدها محمد یکم عثمانی، ۸۰۵-۸۲۴ ق) را درمان کرد، آوازه او در پزشکی بالا گرفت تا این که پزشک ویژه

292, 300; *Türk kültürü ve edebiyatı*, 159-163; *Türkiye*

yazarlar ansiklopedisi, 881; *Yazarlar sözlüğü*, 407.

شیدایی

شیخ‌الاهی نقشبندی، عبدالله ← الاهی سماوی

شیخ اوغلو، صدرالدین مصطفی ← شیخ‌زاده

شیخ‌زاده (Şeyx.zā.de) / شیخ‌اوغلو، صدرالدین مصطفی، ۷۴۱-۸۰۹ ق / ۱۳۴۰-۱۴۱۰ م، شاعر و مترجم عثمانی. در گرمیان بالید. برخی وی را با جمالی (- ح ۹۱۶ ق)، خواهرزاده شیخی که لقب شیخ‌زاده داشت، یکی دانسته‌اند. بخشی از زندگی شیخ‌زاده تا حدود سی سالگی مصادف با فرمانروایی محمد بن یعقوب گرمیانی (۷۰۶-۷۷۹ ق) بود. از نوشته‌های وی چنین برمی‌آید که در جوانی از توجه پاشا آغا فرزند خواجه پاشا، از بزرگان امیرنشین گرمیان، برخوردار بود. نخست به خدمت سلیمان‌شاه فرزند محمد بیگ، امیر گرمیان (۷۷۹-۷۹۰ ق)، پیوست و نشانجی و دفتردار او شد. شیخ‌زاده اثر خود خورشیدنامه را به قصد هدیه برای سلیمان‌شاه آماده کرده بود، اما به سبب درگذشت سلیمان‌شاه آن را به داماد او، بایزید یکم عثمانی (۷۹۱-۸۰۵ ق) که سنجا بیگ کوتاهیه بود، اتحاف کرد. از زندگی شیخ‌زاده در این دوره تا پس از حمله تیمور به گرمیان آگاهی در دست نیست. چون به سبب تعصب امیرنشین‌های آناتولی ناگزیر بود آثارش را به ترکی بنویسد، شکایت داشت. با شیخی، احمدی و داعی مشاعره می‌کرد. برخی از شعرهای فارسی را تتبع کرده است که از آن شمار قصیده «راییه» سنایی را می‌توان یاد کرد. سروده‌هایش از ظرافت و دقت برخوردار است. از آثارش: خورشیدنامه که منظومه‌ای حماسی درباره فرخشاد پسر شاه مغرب و خورشید دختر سیاوش پادشاه ایران است. برخی منابع آن را به اشتباه خورشید و فرخشاد نامیده‌اند. وی در این اثر از نظامی تأثیر گرفته و نام تمامی قهرمانان این اثر ایرانی است. این اثر چاپ شده است (ارزروم، ۱۹۷۹ م)؛ کتالکبری که سیاستنامه‌ای به ترکی است و شیخ‌زاده در آن که گاه پاره‌هایی از اشعار فارسی آورده و در ۸۰۳ ق به انجام رسانده است؛ عشق‌نامه که به گفته خودش آن را به

TED

403. KORKMAZ, Z. Sadruddin Şeyhoğlu Merzuban-nâme tercümesi [s. TA 1.312].
Rez.: Semih TEZCAN, TDAYB 1977(1978).413-431.

Şeyhoğlu Sadreddin Mustafâ

381. ŞEYHOĞLU MUSTAFA Hürşid-nâme (Hürşid ü Ferahşâd). İnceleme, metin, sözlük, konu dizini. Hüseyin AYAN ed. Erzurum, 1979, IV + 533 S. (Atatürk Üniversitesi, 502). [Das Hürşid-nâme des Şeyhoğlu Mustafa, ein romantisches Epos des 14. Jhs. Einleitung, Text in Transkription, Anmerkungen, Glossar, thematischer Index.]

Şeyhoğlu Sadreddin

366. GÖKYAY, Orhan Şaik Kenzü'l-kübera ve mahakkü'l-ulema. In: Çevren 4.9.1976.37-51, 10.1976.43-79. [Über das Werk dieses Titels von Şeyh-oğlu.]

435. VARLIK, Mustafa Çetin Şeyh-oğlu'nun Kenzü'l-kübera ve mehakkü'l-ulema adlı tercüme eseri. In: TA 6.237.2.544-552. [Die türkische Übersetzung des persischen Werkes „Mirşad al-'ibâd“ von Nağmaddin Râzî durch Şeyh-oğlu (2. Hälfte des 14. Jhs.).]

377. KORKMAZ, Z. Sadruddin Şeyhoğlu Marzubân-nâme tercümesi [s. TA 1.312, 5.403, 6.430]. Entgegnung von Semih TEZCAN auf die Erwiderung von KORKMAZ, TD 29.41.342.1980.146-150.

312. KORKMAZ, Zeynep. Sadruddin Şeyhoğlu Merzubannâme tercümesi; inceleme, metin, sözlük, tıpkıbasım. Ankara, 1973, 460 S., 137 Tafeln. [Die altosmanische Übersetzung des Marzbân-Nâme; Textausgabe und sprachliche Untersuchung.]

Şeyhoğlu Sadreddin Mustafa

2.71- Şeyhoğlu Mustafa. Hürşidnâme (Hürşid ü Ferahşâd) İnceleme-Metin-Sözlük-Konu Dizini, AÜ. Yay., Erzurum 1979, 533 s.

07 HAZİRAN 1996

430. KORKMAZ, Z. Sadruddin Şeyhoğlu Merzuban-nâme tercümesi [s. TA 1.312, 5.403]. Entgegnung der Herausgeberin auf die Kritik von S. TEZCAN [s. TA 5.403]. TDe 8.1979.459-478.

Şeyhoğlu Sadreddin Mustafa

2.62- Sadrü'd-din Şeyhoğlu. Marzubannâme Tercümesi (İnceleme-Metin-Sözlük-Tıpkıbasım), Zeynep Korkmaz, AÜ. DTCF Yay., Ankara 1973, 460+CXXXVI s.

07 HAZİRAN 1996

181887 - Şeyhoğlu Mustafa
- 081479 - Hürşidname

Şeyhoğlu Sadreddin Mustafa

"Şeyhoğlu Mustafa, Hürşid-nâme, İnceleme-Metin, Sözlük, Konu Dizini." Hüseyin Ayan. Doçentlik Tezi. Atatürk Üniversitesi, 1976.

3.108- Şeyhoğlu Mustafa. Hürşidnâme -Hürşid ü Ferahşâd, Hüseyin Ayan, TDED. 26, (1993): 355-367.

07 HAZİRAN 1996

1047

28 MAYIS 1993

181887 Şeyhoğlu Sadreddin Mustafa

1.1.4- Şeyhoğlu Mustafa. Hurşidnâme (Hurşid ü Ferâhşâd), İnceleme-Metin-Sözlük-Konu Dizini, Hüseyin Ayan, AÜ., Erzurum 1974, VII+150+440 s.
Doçentlik adliyası

07 HAZİRAN 1996

-Hurşidname Tez

1.5.98- Hurşidnâme, Sevim Ozbayram, TE., (T. 561), İstanbul 1963.
Bitirme (Mezuniyet) tezi.

06 HAZİRAN 1996

81479 Hurşidname

1.5.99- Hurşidnâme, Ayla Sökmen, TE., (T. 608), İstanbul 1962-63.
Bitirme (Mezuniyet) tezi.

06 HAZİRAN 1996

-Hurşidname (Tez)

1.5.101- Hurşidnâme'nin Transkripsiyonu ve Dil İncelemesi, Naki Gülay, AÜ. ÖTCF., Ankara 1971.

Bitirme (Mezuniyet) tezi.

06 HAZİRAN 1996

81479 Hurşidname

1.5.97- Hurşidnâme, Perihan..., İÜ. EF. TDEB., (BT. 91), İstanbul 1937-38, 22 s.
Bitirme (Mezuniyet) tezi.

06 HAZİRAN 1996

Hurşidname

1.5.100- Hurşidnâme'nin Dili, Sevin Özbayram, İÜ. EF. TDEB, İstanbul 1961.
Bitirme (Mezuniyet) tezi.

06 HAZİRAN 1996

HURŞİD-NÂME

(H) (Ş)

ŞEYHOĞLU

Perihan

Hurşidnâme
(Şeyhoğlu Mustafa'nın)

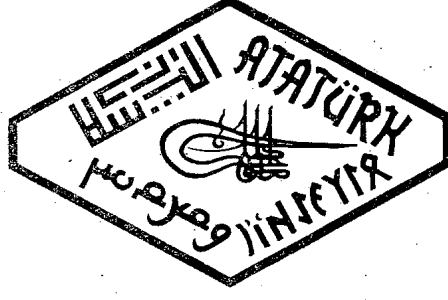
19 KASIM 1992

Türk - Eski - T. 91

-181887 - Şeyhoğlu Mustafa
- 081479 - Hurşidname

"Şeyhoğlu Mustafa, Hurşid-nâme, İnceleme-Metin, Sözlük, Konu Dizini." Hüseyin Ayan. Doçentlik Tezi. Atatürk Üniversitesi, 1976.

1047 ✓



BEŞİNCİ
MİLLETLER ARASI
TÜRKOLOJİ KONGRESİ
İstanbul, 23-28 Eylül 1985

Tebliğler

TÜRK DİLİ
cilt 1

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi Prof. Dr. Nihad M. ÇETİN Bölümü
Demirbaş No: 2044
Tasnif No: 7420.1 MİLLT

EDEBİYAT FAKÜLTESİ BASİMEVİ
İSTANBUL — 1985

ŞEYHOĞLU MUSTAFA'NIN TÜRKÇE HAKKINDAKİ GÖRÜŞLERİ,
HİZMETİ VE KENZÜ'L-KÜBERÂ VE MEHEKKÜ'L-ULEMÂ'SININ
DİLİ

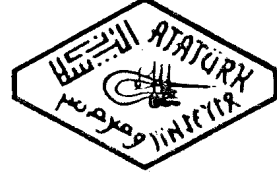
Kemâl YAVUZ

XIV. yüzyılda Anadolu'da teşekkül eden beylikler memleketlerini kültür merkezi yapma durumunda gayret göstermişler ve eserlerin Türkçe ile yazılmasını istemişlerdir. Geçmiş asırlara nisbetle -tercime de olsa- bu devirde konuşma dili temel olmak üzere geniş ve yaygın olarak bir hayli eser ortaya konmuştur. Böylece her beylik âdetâ bir yarış içine girmiştir. Bunlar arasında Germiyan Beyliği ön sırayı işgâl etmiştir. Birçok âlim ve san'atkâr yetiştiren Germiyan-oğulları Ahmedî'den Ahmed-i Dâî ve Şeyhoğlu Mustafa'dan Şeyhî'ye kadar, sonradan Osmanlı sarayına kültür yönünden geniş tesirleri olan şahsiyetlerin yetişmesini sağlamış ve Türkçe bu devirde belki en çok eserini Germiyan sâhasında vermiştir.

XIII. yüzyılda kısmen XIV. asırda ise geniş bir şekilde ortaya konan eserlerin yazılmasında beylerin tesiri büyüktür. Başta Karaman-oğlu Mehmed Bey'in Türkçe konuşup Türkçe yazılmasını emretmesi diğer beyliklerde de görülmektedir. Aslında her beyliğin merkezinde bir kültür faaliyetinin ortaya çıkması, beyliklere bağlı tebaanın tamamen türk oluşu ve halkın başka dilden olan eserleri anlayıp bilmemesi, en mühimi, yazılan eserlerin dillerine bakıldığı takdirde, konuşma dilinin resmîyete geçmeye başlaması ve kültür ihtiyacının ortaya çıkması, önceleri Türkçe yazmakta güçlük çektiklerini söyleyen mütercim ve müelliflerin Türkçe'yi işleyip geliştirmelerine sebep olmuştur. Hattâ XIV. yüzyılda yetişen şâir ve sanatkârlar türk dili ile yazmak gerektiğini, halkın ancak Türkçe ile yazılan eserlere iltifat edeceğini ve millete bu şekilde faydalı olacakları düşüncesine sâhib olmuşlardır. Germiyan-oğullarının Türkçe'ye hizmeti sâdece şâir ve sanatkârlara dayanmamaktadır. Kendileri ortaya koydukları vakfiyelerde Türkçe'ye de yer vermişlerdir. Yakub Bey'in dikilitaş şeklinde boyu 3.30 m. ve eni 2.10 m.'lik, Orhun Âbidelerini an-

-Şeyhoğlu Sadreddin Mustafa
-Kenzü'l-Küberâ

02 EKİM 1991



I. MİLLETLER ARASI TÜRKOLOJİ KONGRESİ

(İstanbul, 15-20 X.1973)

tebliğler

İSLAM TARİHİ, İLMİHAT
ve KÜLTÜRÜ / İZMİR
MERKEZİ - İSTANBUL

2565-2

2. TÜRK DİLİ VE EDEBİYATI

Tercüman Gazetesi

ve

Türkiyat Enstitüsü'nün
işbirliği ile basılmıştır

İSTANBUL
1979

ŞEYH-OĞLU'NUN KENZÜ'L-KÜBERÂ VE MEHAKKU'L-ULEMÂ

ADLI TERCÜME ESERİ

Dr. Mustafa Çetin Varlık

XIV. yüzyılın ikinci yarısında Anadolu'da merkezi Kütahya olan Germiyan Beyliği (1) sarayında yetişen Şeyh-oğlu'nun Kenzû'l-küberâ ve Mehakku'l-ulemâ (2) adlı siyaset-nâme tarzındaki mensur eserinin Türk Dili ve Edebiyatı Tarihi bakımından hususi bir ehemmiyeti vardır. Adı geçen eserin yegane nüshası merhum Fuad Köprülü'nün hususi kütüphanesinde iken, vefatından sonra İstanbul Yapı ve Kredi Bankası tarafından diğer kitaplarıyla beraber satın alınmıştır.

Müellifin adı kitabın çeşitli yerlerinde meselâ vr. 17a'sında 10 uncu satırda «Şeyh-oğlu» diye geçmektedir. Eserin adı vr. 5a satır 5'te ve vr. 118a satır 7'de «Kenzû'l-küberâ ve Mehakku'l-ulemâ» (3) şeklinde kaydedilmektedir. Vr. 118a satır 8'de 23 Receb 803/9 Mart 1401 tarihinde yazıldığı ve vr. 116a satır 10'da Paşa Ağa bin Hoca'ya takdim edildiği belirtilmektedir.

Kitap, cildi bözük (4) harap bir halde bulunmaktadır. Yapraklar sonradan yeni rakamlar ile numaralanmıştır. Kitabın bir sahifesi 25x17 cm, satırlar 20x12,5 cm ebadındadır. Tamamı 120 varaktır, eser vr. 1b'de başlayıp, vr. 118a'da sona erer. Yazı çeşidi nesih, harekeli, okunaklı, ve iridir.

(1) Bilgi için bkz. Mustafa Çetin Varlık, Germiyan-oğulları Tarihi (1300-1429), Şubat 1972 (İstanbul Edebiyat Fakültesi Doktora tezi, -Halen basılmaktadır-).

(2) İstanbul Yapı ve Kredi Bankası Fuad Köprülü kitapları.

(3) Ö. Faruk Akün (Şeyh-oğlu, İA, c. XI-s. 484) kitabın adının son kelimesini «umerâ» olarak yazmıştır, halbuki «ulemâ» dır.

(4) Kitabı tetkik ettiğimiz 1971 yılında eserin ehemmiyetli ve ünik olduğunu belirtmek üzere, Topkapı Sarayına ciltlenmek üzere gönderilecekti.

ŞEYH-OĞLU'NUN KENZÜ'L-KÜBERÂ ADLI ESERİ

545

Bâb başlıkları ile âyet ve hadîsler kırmızı mürekkeple yazılmıştır. Eserin kenarında «sah» lar mevcuttur.

F. Köprülü (5), kitabın müellifin kendi hatt-ı desti olduğunu belirtmektedir.

Kitapta dua cümlelerinden sonra vr. 3b'de eserin nasıl tertib edildiği şu şekilde ifade edilmektedir :

«Çeçmiş din uluları ve insanun Tangrı hulûları meşrebinden bu zaifün yitdükce tâkatı ba'zı hâssa ve ba'zı ariyyeti tefekkür küncinde oturdum. Ve birkaç bâb ma'rifet kısmından Türkî dilince kaleme getürdüm ebyâtdan ve eş'ârâdan ma'na tekazâsınca yirliü yirine getürdüm. Ve ebyâtdan şol ki, bu zaif inşasındandır, sâde yazdum ol ki ayruk üstadlarındur adıyla zikr itaüm. Ta ki mütalaa kılanlar eğer gönli inkâr küduretinden safi kılalar bu Türkî dile ol fayidei ve çeşniyi ve sefayi bulalar ki heman Tazide ve Parside bulunur. İnşallahutealâ...»

Eserin vr. 5a'sında neleri ihtiva ettiği şöyle belirtilmektedir:

«1 — Bâb-ı evvel Padişahlar gidişinde

2 — Bâb-ı düvvüm Melikler ve Ulu Begler dirliğinde

3 — Bâb-ı sevvüm Vezirler ve Nayipler gidişinde

4 — Bâb-ı çeharüm Âlimler ve Kadılar ve Vaizler halinde, her bâbda bir fasl sebt olundu ve adını Kenzû'l-küberâ ve Mehakku'l-ulemâ virdik, ciddile mütalaa kılanlara müfid ve mübarek ola» denilip her bâbın izahına başlanmaktadır.

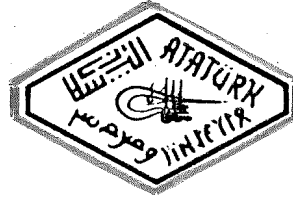
Eserin I. Bayezid zamanında kaleme alındığı istinsah tarihinden anlaşıldığı gibi içinde de ayrıca «Ebâyezid Hân bin Murâd Hân bin 'Orhân bin Osmân halledallahu memleketehu ve saltanatahu ... zamanında ...» (6) diye ismi zikredilmektedir. Şeyh-oğlu eserini I. Bayezid zamanında kaleme aldığı halde onu Paşa Ağa bin Hoca Paşa'ya takdim ettiği şu ifadesinden anlaşılmaktadır: «Kaleme getürdüm bu nüshanın kitabını ol hazretin mütalaaı resmince ki şeriflerin zarifdir ve zariflerin şerifi ve ulu sultanların harifi, canların cihadıdır ve cihanların canı ... Paşa Ağa-i kamrân ebedal-

(5) Türk Edebiyatında İlk Mutasavvıflar, İstanbul 1918, s. 269. Eser şimdilik tek nüsha olarak bilinmektedir, ve «Tarih-i Kenzû'l-küberâ ve Mehakku'l-ulemâ yazıldı, bu nüsha ve telif tamam beyaza geldi Receb ayının yirmiüç çeharşenbe günü öyle vaktinde, yılımız hicretten sekizyüz üç yılda, mütalaa kılanlar huçeste ve mübarek ola, İnşallahu tealâ» şeklinde son bulmaktadır. Bu son buluş vr. 118a'nın da sonudur. Bu durumda bundan sonra bir varak da düşmüş olabilir, bu bakımdan kitap acaba müellif mi yoksa müstensih mi nüshasıdır?

(6) Kenzû'l-küberâ, vr. 39a.

- Seyhoğlu Sadrü'd-din Mustafa
- Marzubânâme

02 EKİM 1991



I. MİLLETLER ARASI TÜRKOLOJİ KONGRESİ

(İstanbul, 15-20 X. 1973)

tebliğler

İSLAM TERCÜMANI
ve KÜLTÜRÜ ARAŞTIRMA
MERKEZİ - İSTANBUL

2565-2

2. TÜRK DİLİ VE EDEBİYATI

Tercüman Gazetesi
ve
Türkiyat Enstitüsü'nün
işbirliği ile basılmıştır

İSTANBUL
1979

MARZUBÂN-NÂME TERCÜMESİNİN YENİ BİR NÜSHASI VE GETİRDİKLERİ

Prof. Dr. Zeynep KORKMAZ

Marzubân-nâme Tercümesi'nin mahiyeti ve çevirileri üzerinde daha önce yayımlanmış olan Sadrü'd-din Şeyhoğlu, Marzubân-nâme Tercümesi adlı incelememizde (1) yeterince durduğumuz için, burada eser hakkında hatırlatıcı biriki söz söylemekle yetineceğiz. Bilindiği gibi Marzubân-nâme Tercümesi dil yapısı bakımından Eski Anadolu Türkçesi'nin en güzel eserlerinden biridir. XIV. yüzyılın ikinci yarısında Sadrü'd-din Şeyhoğlu tarafından Farsça Marzubân-nâme adlı bir eserden Türkçeye aktarılmıştır. (2) Kelile Dimne gibi küssadan hisse özelliği taşıyan ve hayvan hikâyelerine dayanan bu eserin aslının M.S. X. yüzyılda İran'ın kuzeyindeki Tabaristan'ın yerli halk dili ile yazıldığı sanılmaktadır. Ancak, elde bu devre ait herhangi bir metin yoktur. Yalnız onun XIII. yüzyıl edebî Farsçasına iki ayrı şahıs tarafından aktarılmış iki ayrı metni bilinmektedir. İşte Şeyhoğlu'nun Eski Anadolu Türkçesi'ne aktarmış olduğu Marzubân-nâme Tercümesi, XIII. yüzyıl edebî Farsçası ile kaleme alınmış olan yukarıda belirttiğimiz metinlerden birine dayanmaktadır. (3)

Şeyhoğlu'nun Eski Anadolu Türkçesi'ne aktardığı bu eserin 1944 yılına kadar elimizde yalnız iki nüshası vardı. Bunlardan biri

(1) DTCF. yayınları: 219, Ankara 1973, 460+87 s.

(2) Bkz. Zeynep Korkmaz, Kâbus-nâme ve Marzubân-nâme çevirileri kimindir? TDAY. 1966, s. 271, 272, s. 5.

(3) Bkz. Zeynep Korkmaz, Marzubân-nâme Tercümesi yay. s. 67-69.

MARZUBÂN-NÂME TERCÜMESİ

335

Berlin nüshası, (4) öteki de Varşova nüshasıdır. (5) Ne yazık ki, İkinci Dünya Savaşı'nda Varşova nüshası yanmış olduğu için, Berlin nüshası bugüne kadar bilinen tek nüsha durumundadır. Ancak, A. Zajaczkowski, yukarıda belirttiğimiz Varşova nüshası için bir tanıtma yazısı yazmış olduğundan, bu nüshaya ait önemli özellikler tesbit edilmiş bulunmaktadır.

Elimizdeki Berlin nüshasının kopya tarihi evâhir-i şevval 848 (30 Ocak - 8 Şubat 1445)'dir. Yani, XV. yüzyıl ortalarına rastlar. Tam bir nüsha değildir. Mukaddimesi, I. bölümün büyük bir kısmı ve eserden bazı hikâyeler noksanıdır.

Biz bu eser üzerinde çalışırken, Berlin nüshasındaki eksikleri tamamlayabilmek ve eserin oldukça tam bir metnini kurabilmek düşüncesi ile, Türkiye ve Avrupa kitaplıklarında epey arama yapmış, fakat Marzubân-nâme Tercümesi adı altında herhangi bir nüshaya rastlayamadık. Şeyhoğlu, bu eserin bir Marzubân-nâme Tercümesi olduğunu hem Kâbus-nâme Tercümesi'nin mukaddimesinde: çün Marzubân-nâme Tercümesinden fâriğ olduk sözleri ile (6) bildirmiş; hem de Marzubân-nâme Tercümesi'nin IX. bânının sonunda «temâm oldu hak fazlı birle Marzubân-nâme Tercümesi şürû' kılduk onıncı bâba» sözleri ile açıklamıştır. Yalnız, Şeyhoğlu, Tercüme'ye kendisinin eklemiş olduğu X. bân'da esere yeni bir ad da Destûr-ı Şâhi دستور شاهی adını koymuştur. Biz, bu durumu gözönünde bulundurarak yaptığımız araştırma sırasında, E. Blochet'in Bibliotheque Nationale'deki yazmalar kataloğunda, (7) Sa'dî'nin Bûstân Tercümesi ile birarada Destour el-Melik adlı anonim hikâyelerden meydana gelmiş bir eserin kaydına rastladık. Millî Kütüphane aracılığı ile, ancak uzun bir yazışmadan sonra elde edebildiğimiz bu yazmanın mikrofilmünü incelediğimizde Marzubân-nâme Tercümesi'nin yeni bir nüshası olduğu ortaya çıkmıştır. E. Blochet kataloğunda s. 353, S. 435 sayısı ile gösterilen bu cilt içinde yukarıda da belirttiğimiz üzere iki eser yer almış bulunmaktadır. Yp. 1-27 arası Marzubân-nâme Tercümesi'ne, yp. 29-96 arası da satırlararası Türkçe çeviri yolu ile Sa'dî'nin Bûstân Tercümesi'ne ayrılmıştır. Ese-

(4) Bkz. W. Pertsch, Die Handschriftenverzeichnisse der kng. Bibliothek zu Berlin Bd VI: Verzeichnis der türkischen Handschriften, Berlin 1889, S. 437, Nr. 444.

(5) Bkz. A. Zajaczkowski, Bulletin International de l'Academie Polonaise des Sciences et des Letters, cl. de Philologie, d'Histoire et de Philosophie (1936), s. 186-192; Anadolu Türk Edebiyatının XIV. asra ait mühim bir vesikası: Marzubân-nâme, Türklük Mecm. 1/1 (1939), s. 5-12.

(6) Kahire nüshası yp. lb ve Zeynep Korkmaz, not 2'de göst. e. s. 272; not 3'te göst. e. s. 72, s. 24.

(7) Catalogue de Manuscrits Turcs Bibl. Nat., Tome I, II, Paris, 1932, s. 353, S. 435.

the celebrated composer Hādjdjī 'Arif Beg (Hacı 'Arif Bey, d. 1302/1885). Strongly addicted to alcohol and unable to pursue a normal existence, he lived a derish-like (*rindī*) variant of a Romantic artist's life. At the age of 31, he died on 2 Dhu 'l-Hiǧdja 1307/19 July 1890 and was buried at Beylerbeyi on the Bosphorus.

Shewkī Beg, sometimes called the "Turkish Schubert", is known for his songs in the form of *sharkī* (*sarki*), the "Lied" form of Turkish art music that had gained a new quality and popularity by the compositions of his famous teacher. In his own lyric-melancholic style, Shewkī Beg composed several hundred *sharkī* songs. In contrast to Hādjdjī 'Arif Beg, he contented himself with a relatively small selection of modes (*makām* [q.v.]/*makam*) and metres (*uṣūl*/*usūl*). About one-third of the pieces attributed to him are composed in one and the same *makām*, called "lovers" (*uṣṣhāk*/*uṣṣak*)—a remarkable correspondence to the main subject of his song texts. The most popular of these texts were recorded, together with indications of mode and metre, in contemporaneous and later song text collections.

Some of his melodies have survived in musical notation. Suphi Ezgi (1870-1962), who knew Shewkī Beg personally, is said to have written down 120 of his songs. He published fifteen of them in his voluminous book on Turkish music (see below). A few more are included in other printed and handwritten song collections.

Bibliography: Suphi Ezgi, *Nazarī ve amelī türk musikisi*, i-v, Istanbul 1933-53, *passim*; İbnülemin Mahmut Kemal İnal, *Hoş sadâ*, Istanbul 1958, 276-8; Y. Öztuna, *Şevki Bey*, Ankara 1988 (lists 234 works, presents 140 song texts; full bibl.); idem, *Büyük türk mûsikîsi ansiklopedisi*, Ankara 1990, ii, 355-9. (E. NEUBAUER)

SHEYKH-OGHLU, Şadr al-Dīn Muṣṭafā (modern Turkish: Şeyhoǧlu, Sadrüddin Mustafa) (b. 741/1340-1), sometimes referred to as *Sheykh-zāde*, under which name he was dealt with in *ET*. He should not be confused with the translator of *Kırk vezirler hikâyeleri* [see *SHEYKH-ZĀDE*. 3].

Poet, translator and court dignitary, *Sheykh-oghlu* was an important figure in the development of Ottoman *divān* poetry, especially the *methnewī* genre, in the 8th/14th century. He extended the focus of the *methnewī* to romance and human love rather than just religion and mystic love, an approach seen also in the *Djemshīd we-Khurshīd* written in 805/1403 by his rival Ahmedī [see *AHMADĪ*]. Outstripped as a lyricist by the latter, *Sheykh-oghlu* also drew less attention than later writers of such *methnewīs* as *Leylā and Medjūnūn*, *Yūsuf and Zelikhā* and *Khusrew and Shirīn*. He is, however, a figure about whom many contradictory and erroneous statements have been made in the sources both old and recent, Turkish and European. Most common of the errors, which we find in the earliest of Ottoman literary biographies, the *Heṣht bihiṣt* of Sehī (d. 994/1586 [q.v.]), is to identify him with Djemālī the nephew of *Sheykhī* [q.v.], who completed his uncle's *Khusrew ü Shirīn*, used the *laqab* of *Sheykh-zāde* or *Sheykh-oghlu*, and was still alive in the last decade of the 15th century (see Hüseyin Ayan, *Şeyhoǧlu Mustafa Hürşid-nāme* (Hürşid ü Ferahşād), *inceleme-metinsözlük-konu dizini*, Erzurum 1979, 8; and Ömer Faruk Akün in *IA*, art. *Şeyhoǧlu*).

Sheykh-oghlu's birthdate is given as 741 or 742 (1340-1), but it is not known where he was born, nor when and where he died. A statement at the end of his *Kenzü 'l-küberā* indicates that he completed that

work in 789/1401, but he must have died after 804/1401 and before 812/1409.

The name Muṣṭafā, by which he has been known over the centuries, was one acknowledged by *Sheykh-oghlu* himself and recorded also by Ahmedī, but it has now been shown that he also used the name Şadr al-Dīn. As a result, two translations (see below), previously credited to an unknown Şadr al-Dīn have been credited to *Sheykh-oghlu* (Zeynep Korkmaz, "Kābūs-nāme" ve "Marzubān-nāme" çevirileri kimindir?, in *Türk Dili Araştırmaları Yıllığı* [1966], 267-78; Kemal Yazuv, *Şeyhoǧlu Kenzül Küberā ve Mehekkül-Ulemā* (*inceleme-metin-inceks*) Ankara 1991).

Statements in *Sheykh-oghlu's* works show that his forebears included high officials and scholars, and that his family was an influential one at the court of the Germiyān *amīrs* of Kütahya [see *GERMIYĀN-OGHULLARĪ*]. It seems that he was brought up there during the reign of Mehmed b. Ya'kūb I and given a *medrese* education. As an adult, he acted as chief of chancery and treasurer to Mehmed b. Ya'kūb's successor Süleymān Shāh (d. 789/1387). Süleymān was a ruler well-known as a patron to men of letters, encouraging them to execute translations from Arabic and Persian and to produce original works in Turkish. On the death of Süleymān, *Sheykh-oghlu* served the Ottoman Yıldırım Bāyezīd until that ruler was defeated by Tīmūr at Ankara in 805/1402, after which he transferred his allegiance to Bāyezīd's son, Prince Süleymān supporting him in the struggle for the throne.

There is still uncertainty about *Sheykh-oghlu's* total literary output. Poems by him appear in some old collections and he is said to have written an *Aṣḥk-nāme*, but no manuscript has been discovered. Well-known are his *Khurshīd-nāme* and a *Kenz ül-küberā*. The former, a *methnewī* romance completed in 789/1387, comprises close to 8,000 *bayts* (see Ayan, 24 ff.). In his preface, *Sheykh-oghlu* refers to it also as *Shehristān-i 'uṣṣhāk*, and sources have labelled it variously as *Khurshīd ü Ferahshād* (or *Ferahshād*), *Khurshīd ü Ferrukhshād*, or simply *Ferrukh-nāme*. The text indicates that, although *Sheykh-oghlu* began the work for Süleymān Shāh of Germiyān, after the death of that patron in 789/1387 he presented it to Bāyezīd. As for the origin of the work, *Sheykh-oghlu's* statement that it came from "a pleasant Arab story" (A. Bombaci, *La letteratura turca*, Milan 1969, 295), has to be weighed against the fact that it draws heavily on the *Shāh-nāmā* and the general literary tradition of Iran for themes and motifs, but also includes strong personal views as well as elements from the history and traditions of the Turks (see Ayan, 31 ff.). Most of the characters in the work have Persian names, exceptions being *Bogha Khān* the Tatar ruler, and Turumtay his vizier (which, Akün suggests, indicates a memory of İlkhanid days in Anatolia). The introductory sections cover the usual topics required of a *methnewī*, and the main story is structured on the motif of falling in love "sight unseen", one frequently encountered in both Persian and Turkish literature, the protagonists being *Khurshīd*, daughter of the *Khān* of Irān, and *Ferahshād*, son of the ruler of the Maghrib. The *Kenz ül-küberā*, a prose work liberally interspersed with verse, was completed in 803 Radjab/March 1401 and is believed to have been *Sheykh-oghlu's* last work. Categorized by Kemal Yazuv as the second example (after the *Kutadghu bilig* [q.v.]) of a "Mirror for Princes" in a Turkic language, the work resembles in format, but is not a translation (as has been suggested) of Nadjm al-Dīn Rāzī's *Mirṣād al-'ibād* (Yazuv, *op. cit.* 10-11). It opens with appropriate



Şeyhoğlu'nun "Kitâb-ı Mahbûbiyye" Adlı Eseri Üzerine doç. dr. ahmet sevgi

Klasik Türk Edebiyatı'nda "Şeyhoğlu" mahlasını "Hürşid-nâme"¹ ve "Kenzü'l-küberâ"² müellifi Şeyhoğlu Mustafa'nın kullandığı bilinmektedir. Bir araştırmamız esnasında³ XV. yüzyıl dervişlerinden Baba Yusuf'un da 7900 beyitlik "Kitâb-ı Mahbûbiyye" adlı eserinde "Şeyhoğlu" mahlasını kullanmış olduğunu gördük. Bu sebeple pek tanınmayan mezkûr zâtı ve eserini ilim âlemine tanıtmak istiyoruz.⁴

Baba Yusuf Sivrihisarlı'dır. Ancak doğum tarihi hakkında kaynaklarda bilgi yoktur. Mecdi Mehmet Efendi'den öğrendiğimize göre⁵ Hacı Bayrâm-ı Veli müridlerinden olan ve halkın ermişler zümresinden olduğuna inandığı bu zât II. Bâyezid'in İstanbul'da yaptırdığı "Bâyezit Câmiî"nde ilk cuma vaazı veren kişidir. Anlatıldığına göre padişahın da hazır bulunduğu camiin açılışında cuma namazını müteâkip minbere çıkan Baba Yusuf, o denli etkileyici bir konuşma yapmış ki câmi dışında bu konuşmayı duyan bazı gayri müslimler bile müslüman olmuşlardır. Bu duruma padişah çok sevinmiş ve Şeyhoğlu Yusuf'u da çok sevmiştir. Hattâ bir müddet sonra aralarında babalık oğulluk akdedilmiştir.

Yine Mecdi'nin nakline göre⁶ Baba Yusuf'a rüyasında, Mekke'de Hacerü'l-esved yanında bir kitap yazması işaret edilir. Bunun üzerine hacca giden Baba Yusuf "Ka'be-i şerifede bir yıl mücâvir olup Hacerü'l-esved'in yanında te'lif ü tasnif ile mülhem olduğu kitâbı safâyih-ı levâyih-ı gaybdan sahâ'if-i bâ-letâ'if-i şuhûda nakl eyledi. Bundan evvel nazma kâdir olmayup bihâr-ı nazmda eli yoğiken sürûş-ı ilhâmın ilkâsıyla ol bâbda izhâr-ı yed-i beyzâ eyledi. Butûn-ı kümûn-ı musannefât-ı i'câz-ı âyâtta mektûb u muharrer olan letâ'if-i ma'ârif-i ilâhiyye'den lütf-ı işve-i ilhâma karîn ve hüsn-i girişme-i feyz-i mahza rehîn olanları

hâme-i Abbâsî-'imâme ile tahrir ü tastir eyledükden gayri 'âlem-i 'ibârât ile ta'bir olunmaduk ve aklâm-ı müşgîn-erkâm ve erlâm-ı i'câz-peygâm ile tahrir olunmaduk ya'nî kendinin ve benî nev'-i insânun hâtırına hutûr eylemedük mülhemât-ı gaybiyye-i lâ-raybey' dahı ol kitâbda derc eyledi."⁵

Bu ifâdelerle biraz sonra tanıtmaya çalışacağımız eserin muhtevâsı karşılaştırıldığında Baba Yusuf'un Mekke'de yazdığı kitâbı, "Kitâb-ı Mahbûbiyye" olduğu görülecektir. Sözkonusu eserin "sebeb-i te'lif" ve "hâtime" bölümlerinde yer alan aşağıdaki beyitler de bu görüşümüzü doğrulamaktadır:

*Hudâ'dan bir gice men kula iy cân
Yitişdi feyz ü hem ilhâm u ihsân*

*Şikeste gönlümi şâd itdi Allâh
Bu men mücrim kulın yâd itdi Allâh*

*Gönül âyînesin pâk itdi ol Hak
Vekârum perdesin çâk itdi ol Hak*

*Vücûdum tûrna nûr-ı tecellî
Tok ı ndı virdi vü kalbe tecellî*

*Ma'ârif gencini feth itdi çün yâr
Temâşa eyledüm neme menüm 'âr*

*Ne kuvvet var-ıdı mende ne kudret
Elümi tutdı nâgeh dest-i kudret*

*Yitürdi derdüme ol demde dermân
Şafâ şevk haddine irdüm firâvân*

*Didüm mu'tî vü yâ mühdî vü Allâh
Tevekkeltü 'aleyke hasbiye'llâh*

*Mefâtihin idüp izhâr gözüme
Yenâbi'-i hikem geldi dilüme*

*Göründi gözüme beydâ'-i ma'nî
Bu elfâz dilüme geldi ki ya'nî*

*'Atâsına meni Hak kıldı mazhar
Bana mahfî olan oldı musahhar*

*Nazar itdi çü Hak men hâk-sâra
Mecâl komadı dahı intizâra*

*Meni gark itdi bahr-ı bî-girâna
'Atâ ilhâm idüp rûh-ı revâna*

*Hudâ-dan lütfını itdüm temennî
Yitürdi ben kula itdi tesellî*

*Gözümü açuban gösterdi yolum
Ne var elde menüm bildüm husûlum*

02 OCAK 1995

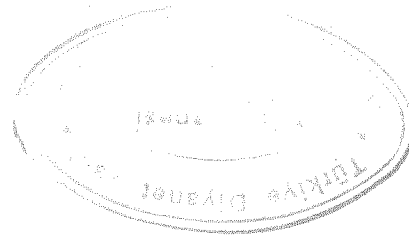
Ey Füzuli, mənim əhvalıma bir vəqif yox,
 Böylə kim, aləm onun hüsnünə heyran olmuş...
 Ey Füzuli, beylə pünhan tutma əşki-alini,
 Eylə hər rəngilə kim var ol güli-xəndanə arz...
 Ey Füzuli, öylə ki, bimarî-dardı eşqsən...

“Ey” sözünün məqlub hadisəsində iştirakı yalnız məqtə beytlərdə deyil, digər beytlərdə də daha zəngin və daha rəngarəng çalarlarda özünü göstərir.

ULUSLARARASI TÜRK DİLİ KONGRESİ 1992

(26 Eylül 1992 - 1 Ekim 1992)

Ankara - 1996, s. 175-188. DN: 45331.



28 OCAK 1997

KUTADGU BİLİĞ İLE KENZ ÜL-KÜBERÂ ARASINDA BİR KARŞILAŞTIRMA

MÜBAHAT TÜRKER-KÜYEL

Ajun feylesüfu nengi bolmasa
 Neçe tıldam erse kişedi tilig, KB, 3076.

KK “Acaba, Necmeddin Daye’nin, (öteki adlarıyla: Necmeddin Kübrâ’nın, veya Necmeddin Razi’nin), Hârezm’den gelip, Rûm’da dolaşıp, Kayseri’de 1230’da telif etmiş, Karahisâri’nin ise, *İrşâd* adıyla Türkçeye çevirerek 1420-1421’lerde, II. Murat Hân’a sunmuş olduğu *Mirsâd*’ının tam bir çevirisi midir, yoksa değil midir?” sorusu Türkçe yazında birkaç defa tartışılmıştır¹.

Bu tartışmaların ardından, “Eser, iskeleti *Mirsâd*’dan alınmış”, “tercüme yerine telife yakın, (bir) *telifi tercüme*”dir², “Batı Türkçesi’nde ilktir”, “Eski Türkçe’nin (ise) kararlı bir örneği”dir, (“Edebiyat ve bilim dili olarak”)³ gelişmiş Türk nesrine temel teşkil edecek... sade ve mükemmel bir nesir”dir, hatta, bir “tezkire”dir⁴, ve “Siyâset nâmeye yakın olan, daha çok, siyâset ahlâkım ele almış ...”, ve “. . . Kültür tarihimize (ise), KB’den sonra ikinci (bir) eser...”dir şeklinde⁵ değerlendirilmiş bulunmaktadır.

1 Bursalı Mehmet Tahir, *Osmanlı Müellifleri*, 2. Âmir, 1333, 121-122; Fuat Köprülü, “*Vakfa Ait Tarihi İstılahlar Meselesi*”, *Vakıflar Dergisi*, 1, 1938, 137; Fuat Köprülü, “*Anadolu Selçuklu Tarihinin Yeni Kaynakları*”, *Belleten*, 27, 1943, 448; Ö. Faruk Akün, “*Şeyhoğlu*”, *I.A.*; Zeynep Korkmaz, *Merzuban Nâme Tercümesi*, Ankara, 1973; Zeynep Korkmaz, *kübus-nâme ve Merzuban-nâme Tercümeleri Kimindir?*, *TDAY*, 1966 (1967); Fuat Köprülü, *Türk Edebiyatında İlk Mutasavvıflar*, 3. bsk., 204, not: 84; Mustafa Çetin Varlık, “*Şeyhoğlu’nun Kenz ül-Kübera Adlı Tercüme Eseri*”, 1. Milletlerarası Türkoloji Kongresi, İstanbul, 15-20. X. 1973, cilt II, İstanbul, 1979, 544-552; Şeyhoğlu Mustafa, *Hurşid Nâme*, (Hurşid u Farahşâh), *Önsöz ve Giriş*, s. 9 ve 17, Neşreden: Hüseyin Ayan, Erzurum, 1974 (1979); Şeyhoğlu, *Kenz ül-Küberâ*, *Önsöz, Giriş ve s. 11*, Neşreden: Kemal Yavuz, 1974 Erzurum, 1991 Ankara, AKM Yayınları.

2 Kemal Yavuz, a.g.e., 16.

3 H. Ayan, a.g.e., 15-16; Kemal Yavuz, a.g.e., 14; Orhan Şaik Gökay, “*Kenzül-Küberâ*”, *Çevren*, 9-10-11, Mart-Haziran-Eylül, 1976.

4 Fikir Köprülü’nündür, tekrarlanmıştır: Walther Björkmann, *Philologica Turcicae Fundamenta*, Wiesbaden, 1965, 417. Krş. H. Ayan, a.g.e., 16, not 1.

5 Kemal Yavuz, a.g.e., V-VI.

ATATÜRK ÜNİVERSİTESİ YAYINLARI No. 502
Edebiyat Fakültesi Yayınları No. 93
Araştırma Serisi No. 77.

Diba için tarafım
v.h.b.

Basarlarınızın devamını dilerimle
22.06.1979

Hüseyin Ayan

ŞEYHOĞLU MUSTAFA

Hürşidnâme (Kafak)

HURŞİD – NÂME

(HURŞİD Ü FERAHŞÂD)

İnceleme-Metin-Sözlük-Konu Dizini

Dr. Hüseyin AYAN

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No. :	11150
Tashih No. :	T811.214 SEN. H



a) Kelimelerin ses yapısı incelenebilir: 1. Ses türemesi, 2. Ses kaynaşması, 3. Ses düşmesi, 4. Konsonant düşmesi, 5. Orta hece vokalinin düşmesi, 6. Vokal değişmesi, 7. Seslerde yer değiştirme, 8. Başta konsonant türemesi, 9. İki vokalın yan yana gelmesi, 10. Konsonant ikileşmesi, 11. Ses benzeşmesi, 12. Aykırılışma, 13. Yuvarlaklaşma, 14. Düzleşme. Bütün bu ses hadiselerinin görülmesinin elbette çeşitli sebepleri vardır. Şahıs adları, Türkçe'nin ayrı şivelerinde ve lehçelerinde farklı seslerle ifade edilen unsurların başında gelir. Yabancı dillerden alınan isimler de zamanla bazı ses değişikliklerine uğramaktadır. Buna bir de Türkçe'nin tarihî devrelerinden bu yana tabii akışı içinde meydana gelen değişiklikleri ekleyebiliriz.

b) Şahıs ismi olarak kullanılan kelimelerin dil bilgisi bakımından değişik yapıda oldukları görülmektedir. Türkçe kök veya gövdelere Türkçe, Mogolca, Farsça ve başka dillerden eklerin getirildiği veya yabancı dillerden alınma isimlere Türkçe eklerin eklendiği tespit edilmiştir. Bu eklerden bir kısmı yapım eki olduğu halde bir kısmı da çekim eki durumundadır. Bütün bu şekillerin incelenmesi gerekir.

c) Bazı isimlerin çeşitli kelime gruplarından geldiği göz önünde bulundurulurken, isimlerdeki kelime grubu yapısı ayrıca değerlendirilmelidir.

ç) Şahıs isimlerinin cümle içinde birer temsil ismi olmaktan başka bir fonksiyonları yoktur. Ama insan adlarının manalarının da incelenmesi gerekir.

d) Türk içtimai hayatında ve folklorunda isim koymak, çocuklara ad vermekle ilgili çok geniş bir telakki dairesi bulunmaktadır. Çocuklara ad verirken ne gibi unsurların rol oynadığını, tarihî ve içtimai devrelerin ortaya çıkardığı meseleleri gözden geçirmek ve şahıs isimlerini bu cephelerden de incelemek gerekir.

e) İçtimai topluluklara, zümrelere, bölgelere göre çocuklara isim koymanın getirdiği meseleler incelenmiş değildir.

Imre Baski, L. Rásonyi'nin başladığı bu çalışmanın ilk merhalesini bir indeks hâlinde ortaya koymakla Türkoloji'nin mühim bir sahasına ait bir boşluğu doldurmuş bulunuyor. Eser, bir mukaddime mahiyetindedir. *Onomasticon Turcicum*'a Türkiye Türkologlarının göstereceği ilginin beklenenden çok daha fazla olacağını söyleyebiliriz. Ortaya koyduğu çalışmadan dolayı Imre Baski'yi tebrik ettiğimizi bildirmek bir borçtur.

İ.Ü.E.F. TÜRK DİLİ VE EDEBİYATI DERGİSİ
c. XXVI, 1986-1993, İstanbul-1993, s. 355-367

9 TEMMUZ 1994

Şeyhoğlu Mustafa, Hürşid-nâme (Hürşid u Ferahşad), İnceleme-Metin-Sözlük-Konu Dizini, nşr. Dr. Hüseyin Ayan, Atatürk Üniversitesi Yayınları No. 502, Erzurum 1979, (4)-IV-533 s.,

XIV. Asrın en mühim edebî simâlarından olan Şeyhoğlu Mustafa'nın bu mesnevisinin şimdiye kadar tenkidli metninin negredilmemiş olması edebiyat literatürümüzde bir eksiklik teşkil etmekteydi. Dr. Hüseyin Ayan Hürşid-nâme hakkındaki araştırmalarını ve eserin metnini ilim âlemine sunmakla bu durumu kısmen de olsa telâfi etmiş bulunuyor.

Araştırmanın birinci bölümünde Şeyhoğlu'nun hayatı ve edebî kişiliği üzerinde durulmuş, Hürşid-nâme'nin yanı sıra Kenzü'l-küberâ'dan da istifade edilerek müellifin edebî değeri ve şahsiyeti ortaya konulmuştur. Türk dili ve edebiyatı araştırmaları için yüksek değer taşıyan ve bazı formaliteler yüzünden bu gün için tetkikine imkân bulunmayan Kenzü'l-küberâ ve Mihekkü'l-'ulemâ'dan yapılan iktibasların yanısıra baş ve sondan sekiz varagin faksimilesi ile birlikte eserin üslup ve muhtevâsı hakkında verilen bilgiler şükranâ lâyıktır. Bu bölümde «Metni Kurmada Tutulan Yol» başlığı altında nâşirin metin tenkidi husûsundaki fikirlerini ve metodunu öğreniyoruz¹. İkinci bölüm Hürşid-nâme'-

1 «Eldeki nüshaların tek başına, hiç birisinin metni kurmaya esas alınmaya-çağın anlayınca, müellifin yerine geçmekten başka yapacak bir şey kalmıyor. Lâkin burada da çeşitli mahzurları göze almak gerekiyor. Zîrâ, Şeyhoğlu Mustafa'nın şîir zevkini ne kadar iyi kavrayacak, kavrayalım yine onun kadar, onun kaleme aldığı Hürşid-nâme nüshası kadar isabetli bir metin kurmamıza imkân ve ihtimal yoktur. Bu sakıncaları göğüslememek için de Hürşid-nâme'yi olduğu gibi bırakmak gerekir. Hattâ bu çeşit çalışmalara bir son vermek gerekir (?). Bu da çok sakıncalı bir görüş değil midir?»

İşte yukarıda zikredilen sakıncaları gözönünde tutarak, şâirin edebî zevkini ve devrinin şîir havasını, mümkün mertebeye, düşünerek, Şeyhoğlu olsaydı bu kelimenin yerine şunu koyardı, diyerek eldeki metni meydana getirdik. Böylece karşılaştırmaya esas alınan dört nüshadan farklı yeni bir nüsha meydana gelmiş oldu. Bu metni kurduktan üç sene sonra görmeye muvaffak olduğumuz «Kenzü'l-küberâ ve Mihekkü'l-'ulemâ» -yegâne nüshası merhum Prof. Dr. Fuad Köprülü Kütüphanesindeki- ile bazı beyitleri karşılaştırma imkânı doğdu. O zaman sevinerek gördük ki neşre ha-

-Şeyhoğlu Sadrudin Mustafa

SADRUD-DİN ŞEYHOĞLU

ve

MARZUBAN-NÂME TERCÜMESİ

Prof. Dr. Zeynep KORKMAZ

Türk siyasi tarihinde bir dönüm noktası olan *Malazgirt* savaşından sonra, *Anadolu*'da başlayan Türk dili ve edebiyatının kuruluş ve gelişmesinde *Iran* ve *Arap* edebiyatından yapılan çeviriler de önemli bir yer tutmuştur. Bu bakımdan Anadolu Selçukluları ve özellikle Anadolu Selçuklu devletinin parçalanması ile ortaya çıkan Anadolu Beylikleri devri, çeviri eserler yönünden de üzerinde durulmaya değer. Arap ve Fars kültürüne yeteri kadar aşina olmayan, milli dil ve geleneklerine bağlı Türk men beyleri, bir yandan yerli eserler yazılmasını teşvik ederken, bir yandan da Arapça ve Farsça eserlerin dilimize kazandırılmasında önyak olmuşlardır.

Anadolu Selçuklu devletinin parçalanması üzerine, Batı Anadolu'da *Kütahya* merkez olmak üzere kurulan Germiyan Beyliği (1300 - 1428), siyasi alandaki nüfuzu dışında, edebi alanda da büyük şahsiyetler yetiştirmiş bir beyliktir. Hele Mehmed Bey'in oğlu Süleyman Şah (770 - 789/1368 - 1386/87) ile, Süleyman Şah'ın oğlu II. Yakut Bey devirleri, bunların ilim ve fikir adamları ile edebi şahsiyetlere verdikleri değer bakımından özel bir yer tutar. Bu iki bey devrinde *Germiyan* sarayı âlim ve şairlerin yüksek himayeye eriştikleri bir yer olmuştur.

Bizim bu yazıda üzerinde duracağımız *Marzubân-nâme Tercümesi* de Germiyan Beyi Süleyman Şah'ın emri ile Türkçeye aktarılmış olan, dil ve edebiyat tarihimize çeviri yolu ile kazanılmış bulunan değerli eserlerden biridir.

Marzubân-nâme Tercümesi'ne ve bu tercümenin özelliklerine geçmeden önce kısaca eserin konusu ve aslı üzerinde duralım:

Eserin Konusu ve Aslı

1. Ş. *Kelile ve Dimne*, *Bahtiyar-nâme*, *Tûti-nâme*, *Binbir Gece Hikâyeleri* gibi, kıssadan hisse özelliği taşıyan mensur hikâye ve masallara

Armağan "Iran Lehinceliği'nin
2500. Kuruluş Yıldönümüne",
s. 249-276, 1971-İstanbul

Dergi / Kitap
Kütüphane / Müzayade

N. Çetin Bolomü

14 AGUSTOS 1992

BİR XIV. YÜZYIL YAZARININ KALEMİNDEN ÇAĞININ "DEVLET İDÂRESİ VE İDEAL DEVLET ADAMI" ANLAYIŞI

Doç. Dr. Fahri UNAN*

Kırgızistan Manas Üniversitesi, Fen - Edebiyat Fakültesi, Tarih Bölümü

Bilindiği gibi, İslâm dünyasında, bilhassa klâsik dönemlerde, devlet idârecilerine yol göstermek maksadıyla kaleme alınmış pek çok eser vardır¹. Bu tür eserlere, XVI. asrın sonlarından itibaren Osmanlılar döneminde kaleme alınan *lâyihalar* da ekleyebiliriz². Söz konusu *lâyihalar*, her ne kadar klâsik *siyâset-nâmeler*den üslûp ve kaleme alınış biçimi bakımından ayrırlarsa da, netice itibarıyla, aynı gâyeye hizmet ederler. Şu var ki, klâsik *siyâset-nâmeler* daha mücerrettirler; belirli bir şahsa sunulmak için kaleme alınmış olsalar da, her devlet adamının ve hattâ her sınıftan idârecinin faydalanabileceği bir husûsiyet taşırlar. *Lâyihalar* ise, daha müşahhas konuları, meseleleri ve bunların çözüm yollarını ihtivâ ederler; kaleme alındıkları sırada devlet yönetiminde, diğer bir ifade ile içtimâî, iktisâdî, siyâsî ve askerî alanlarda karşılaşılan sıkıntılara çözüm yolları göstermeğe çalışırlar. *Siyâset-nâmeler* ise, bu tür problemlerden ziyâde, devlet adamlarında bulunması gereken ideal husûsiyetleri ve devleti yönetme prensiplerini ihtivâ ederler. Ancak, her iki türün de kaleme alınış maksadı, sonunda aynı kâpiya çıkar: *Devlet adamlarına yol göstermek*.

Bu yazıda, bu çerçevede düşüncelerini tahlil etmeğe çalışacağımız şahıs, XIV. asrın ortaları ile XV. asrın ilk çeyreğinde yaşadığı tahmin olunan *Şeyhoğlu Sadru'd-din*

Mustafa'dır. Kendisi kısaca *Şeyhoğlu* adıyla da tanınır. Sadru'd-din Mustafa, Germiyan Beyliği topraklarında (tahminen 1340'da) doğmuş ve burada yetişmiş; gençliğinden itibaren beyliğin ileri gelenlerinden olan ve bilâhare Osmanlı ümerâsı arasına giren Paşa Ağa b. Hoca Paşa tarafından korunmuş; Germiyan beylerinden Mehmed Bey ve Süleyman Şah dönemlerini yaşamış; Süleyman Şah'ın ölümünden sonra ise Osmanlı sarayına intisâb etmiştir. *Hurşid-nâme* (*Hurşid ü Ferahşâd*) adlı bir te'lifi bulunan³; *Kâbûs-nâme* ve *Marzubân-nâme*⁴ adlı eserleri Türkçe'ye çevirmiş olan *Şeyhoğlu*'nun, ayrıca *Kenzü'l-Küberâ* ve *Mehekkü'l-Ulemâ* adlı yarı te'lif, yarı tercüme olduğu sanılan bir eseri daha vardır⁵. Biz burada *Şeyhoğlu*'nun hayatı ve eserleri üzerinde duracak değiliz⁶. Bu çalışma çerçevesinde bizi asıl ilgilendiren husus, *Şeyhoğlu*'nun zikredilen son eserindeki *devlet adamları* ile ilgili düşünceleridir. *Mehekkü'l-Ulemâ* da, bir bakıma *siyâset-nâme* husûsiyeti taşır. Yazar, dört bölüme (*bâb*) ayırdığı eserinin birinci bölümünde *pâdişâhların*, ikinci bölümünde *büyük (ulu) beylerin*, üçüncü bölümünde *vezirlerin* ve *nâiblerin* ve nihâyet dördüncü bölümünde *âlimlerin*, *kadîların* ve *vâizlerin* durumları üzerinde durmakta, bu husûsta bize *ideal tiplerin* nasıl olmaları gerektiğini anlatmaktadır. Eserin dördüncü bölümü, yazımızın başında adı geçen çalışma çerçevesinde daha önce tarafımızdan incelenmiştir⁷. Biz bu çalışmamızda, ilk üç bölümde işlenen konuları incelemek istiyoruz. *Şeyhoğlu*, bu bölümlerde devlet adamlarını anlatır, bunların kendilerinde bulunması gereken ideal husûsiyetleri ve devlet yönetiminde uyulması öngörülen temel ilkeleri sıralarken, kullandığı üslûpla gerçekten renkli bir kişilik sergilemekte; eski Anadolu Türkçe'sinin bugün çoğu unutulmuş sevimli ibâre ve ifade kalıplarıyla, dobra dobra konuşan bir şahsiyet olarak karşımıza çıkmaktadır. Ancak hemen belirtmeliyiz ki, *Şeyhoğlu*'nun bu konudaki düşünceleri bütünüyle orijinal ve kendisine has olmayıp, zaman zaman başka eserlerde, başka yazarlar tarafından da ileri sürülen fikirlerle büyük ölçüde benzerlik veya paralellik gösterirler.

Burada bir husûsun altını çizmek gerekiyor: *Şeyhoğlu*, hayatının büyük bölümünü XIV. asırda yaşamış, XV. asrın ilk çeyreğini yaşlılık döneminde idrâk etmiş bir yazardır. Bu asırlar, ilim ve fikir adamlarının düşünce dünyalarının şekillenmesinde

³ Eser, Hüseyin Ayan tarafından neşrolünmüştür, bkz. *Şeyhoğlu Mustafa. Hurşid-nâme (Hurşid ü Ferahşâd)* [İnceleme-Sözlük-Konu Dizini] Atatürk Üni. yay., Erzurum 1979.

⁴ Eseri Zeynep Korkmaz inceleyip neşretmiştir, bkz. *Sadru'd-din Şeyhoğlu. Marzubân-nâme Tercümesi* [İnceleme-Metin-Sözlük-Tıpkı basım], Ankara Üni. yay., Ankara 1973.

⁵ *Şeyhoğlu*'nun bizim çalışmamızda kullandığımız bu eserini Kemâl Yavuz neşretmiştir, bkz. *Şeyhoğlu Kenzü'l-Küberâ ve Mehekkü'l-Ulemâ* [İnceleme-Metin-İndeks], TTK yay., Ankara 1991.

⁶ Bunun için bkz. Kilisli Rifat, *Ferheng-nâme-i Sa'dî Tercümesi* (Hoca Mes'ûd b. Osmân), İstanbul 1340-42, "Tekmile" kısmı, s. 6-10; İ. Hakkı Uzunçarşılı, *Bizans ve Selçukîlerle Germiyan ve Osmanlı Zamanında Kütahya Şehri*, İstanbul 1932, s. 50, 269, 270; aynı yazar, "Germiyan Oğulları", *İslâm Ansk.* / IV (1977), s. 769; Fuad Köprülü, "Germiyan Beyliği Tarihine Ait Notlar", *Türkîk Mec.*, II (1928), s. 414; aynı yazar, "Anadoluda Türk Dili ve Edebiyatının Tekâmülüne Umumi Bir Bakış", *Yeni Türk Mec.*, S. 4 (1933), s. 283-290; kezâ, *Türk Dili ve Edebiyatı Hakkında Araştırmalar*, İstanbul 1934, s. 180; Ö. Faruk Akün, "Şeyhoğlu, Şeyhoğlu Sadru'd-din Mustafa", *İslâm Ansk.* / VIII (1979), s. 481-485.

⁷ "Bir XIV. Yüzyıl Yazarının Kaleminden Çağın İlim ve Âlim Anlayışı" başlığını taşıyan bu çalışma, yakında yayımlanacaktır.

Diyar için tarama
M.B.

ATATÜRK ÜNİVERSİTESİ YAYINLARI No. 502
Edebiyat Fakültesi Yayınları No. 93
Araştırma Serisi No. 77.

Basarılarınızın devamını dilerimle
22.06.1990

08 MAYIS 1991

Hüseyin Ayan

ŞEYHOĞLU MUSTAFA

Seyhoğlu, Sadreddin Mustafa (Kazale)

HURŞİD – NÂME

(HURŞİD Ü FERAHŞÂD)

İnceleme-Metin-Sözlük-Konu Dizini

Dr. Hüseyin AYAN

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No. :	11150
Tasnif No. :	T811.214 SEY. H

XV. ASRA GİRERKEN DEVLETİN İDARECİ SINIFI ÜZERİNE GÖRÜŞLER

Şeyhoğlu'nun
Kenzü'l-Küberâ
ve
Mehekkül-Ulemâsı

Kemâl YAVUZ(*)

Türk kültür tarihi içerisinde, bildiğimiz kadarıyla, **Kutadgu Bilig**'den sonra siyasetname tarzında yazılmış olan eserlerden birisi de **Kenzü'l-Küberâ ve Mehekkü'l-Ulemâ**'dır. **Kutadgu Bilig**'den üç yüzyılı aşkın bir zaman sonra kaleme alınan **Kenzü'l-Küberâ**'nın devlet teşkilâtına yer vermesi, başta padişah olmak üzere, toplumun idareci sınıfına hitap etmesi ve bir silsile halinde herkese vazifesine riayet tavsiyesi eserin değerini artırmaktadır. Şeyhoğlu bütün bu meseleleri ele alırken muhakkak ki ana kaynaklara dayanarak peygamberlerden, padişahlardan örnekler vermiş, devlet teşkilatı ile ilgili terim ve deyimleri de kullanmıştır.

Devlet idaresi hususunda **Kutadgu Bilig** gibi manzum olmayan ve diyaloga da yer vermeyen eser hacim itibarıyla birincisine nisbetle büyük de değildir. Fakat her iki eserin ortak tarafı nasihatnameye yakın olmalarıdır.

Osmanlıların Avrupa'ya bir hayli açıldığı fetihler ve zaferler devrinde, Ankara Savaşı'nın eşiğine geldiği zaman yazılan **Kenzü'l-Küberâ** dil ve kültür tarihimiz içinde mühim bir mevkiye sahiptir. Eserin Türkçede ikinci, Batı Türkçesinde ise ilk defa yazılan bir siyaset kitabı olması devlet ve toplum idaresi yönünden, bilhassa kuruluş devri için ehemmiyeti haizdir.

Eser Şeyhoğlu Mustafa tarafından yazılmıştır. Şeyhoğlu Germiyan ve Osmanlı saraylarında hizmette bulunmuş bir şairdir. Germiyan sarayında Mehmed Bey ile Süleyman Şah'ın devirlerini idrak etmiştir. Süleyman Şah'ın ölümünden sonra Osmanlı sarayına intisap eden şair, bu Germiyan beyi için yazdığı **Hurşidnâme**'sini damadı Yıldırım Bayezid'e sunmuştur. Daha önce de Süleyman Şah'ın işareti ile **Kabusnâme**'yi ve **Marzubannâme**'yi Türkçeye tercüme etmiştir. **Kenzü'l-Küberâ ve Mehekkü'l-Ulemâ** adlı eseri ise en son eseridir. Bu eseri ihsan ve iltifatlarına nail olduğu, önceleri Germiyan, sonra ise Osmanlı Sarayında bulunan Paşa Ağa bin Hoca Paşa adına H. 803/M. 1401 yılında yazmıştır. Şeyhoğlu eserini yazdığı zaman 62 yaşındadır. Buradan hareketle O'nun 1339-1340 yılında doğduğunu söylemek gerekmektedir. Nerede ve ne zaman vefat ettiğini ise bilmemekteyiz.

Ömrünün sonuna geldiği zamanlarda yazdığı **Kenzü'l-Küberâ**'sı, içinde bulunduğu ve va-

HURŞİD-NAME'NİN DİL HUSUSİYETLERİ
(FONETİK VE MORFOLOJİK)

Muhammed APAYDIN

Danışman : Yrd.Doç.Dr.Orhan YAVUZ
1994, Sayfa: 211

Şeyhoğlu Mustafa'nın Hurşid-name'si 14.yüzyıl Anadolu Türk Edebiyatı'nın mesnevi türünde yazılmış eserlerinden birisidir. İlmî yayını 1979 yılında Prof.Dr.Hüseyin AYAN tarafından yapılmıştır. Tezimizde dil tarihimizin bu anıt eserinin dil özelliklerini inceledik.

Giriş'te Hurşid-name'nin dil ve edebiyat tarihimiz içindeki yeri ve önemi; Eski Türkiye Türkçesi döneminin diğer eserleri ve Şeyhoğlu Mustafa'nın kimliği üzerinde durulmuştur. Ayrıca eserimizin Türkçecilik bakımından değeri gösterilmiştir.

Hurşid-name'nin dil özellikleri iki ana bölümde incelenmiştir: Ses bilgisi ve şekil (yapı) bilgisi. İlk ünite de kelimelerin ses özellikleri; ünlü ve ünsüzlerde görülen değişimler ele alındı. Mesela bugün Türkiye Türkçesi yazı dilinde (e) ünlüsü ile yazılan "bel, beş, de-, geç, elçi, er-, ver-, yel..." kelimelerinin metnimizde (i) ünlüsü ile "bil, biş, di-, giç, ilçi, ir-, vir-, yil..." şeklinde yazıldıklarını tesbit ettik. Eski Türkçe devriinde t- ile yazılan bazı kelimelerin d- ile olduğunu gördük: tag dağ, takı dahı, teg- değ-, tengiz deniz... gibi.

İkinci ünite şekil (yapı) bilgisine ayrılmıştır. Eserde kullanılan isimler, zamirler, sıfatlar, zarflar, edatlar ve fiiller; bunların çekimleri ve cümle içindeki görevleri ayrı ayrı incelenmiştir.

Hurşid-name kelime kadrosu bakımından oldukça zengin bir eserdir. Çekim ve yapım eklerinin bolluk ve işlekliliği dikkati çekiyor. Metindeki "öğün, yazusu, umumuz, anaru, özge, ileyin, kutlurak, gökçek, ayruksı, aydın, koşun, uşbu, ilkin, tanla, burın, bundavuz, bezedi, dutarvan, togisar, bitürem, alayum..." şeklindeki örnekler, eserin Eski Türkiye Türkçesinin tipik bir örneğini teşkil ettiğini göstermektedir.

Öğrenilen geçmiş zamanın gerundiumlu şekli (gör-üp-sin) metnimizde de bulunmaktadır. Şimdiki zaman eki -yor, henüz görülmemektedir. Ancak bu anlamda -mada, -mede, -mekde eki ve yorı- fiili, azda olsa kullanılmaktadır. Ayrıca eserimizde -acak, -ecek ekinin "partisip" manası yanında "gelecek zaman" kipi anlamında da kullanılmaya başlandığı anlaşılmaktadır.

Sonuç olarak denilebilir ki Hurşid-name, gösterdiği dil hususiyetleri sebebiyle Türk dili tarihinin önemli ve değerli eserlerinden birisidir.

THE LANGUAGE PROPERTIES OF "HURŞİD-NAME"

Hurşid-name of Şeyhoğlu Mustafa is one of the art works of the fourteenth century Turkish literature. Its scientific publication was made in 1979 by Professor Hüseyin AYAN. In our note, we examined the language properties of our language history's that memorial work.

In the entry, we studied the place and importance of Hurşid-name in our language and literature history; Old Turkey Turkish Term's other works and Şeyhoğlu Mustafa's identity. Also, the valme of our work from the view of Turkish was shown.

We examined the language properties of Hurşid-name in two parts. In the first chapter the sound properties of words; changes in vowels and consonants were studied. For instance, we confirmed that, in today's Turkey Turkish's written language the words which are written with vowel (e), "bel, beş, de-, geç, elçi, er-, ver-, yel..." are written with vowel (i), "bil, biş, di-, giç, ilçi, ir-, vir-, yil..." in our text. Moreover, we saw that some words which are written with t- are written with d- in our text. Such as: tag>dağ, takı>dahı, teg>değ-, tengiz>deniz.

We seperated the second chapter for word building. The nouns, adjectives, adverbs, prepositions and verbs which are used in Hurşid-name: the inflections and functions of them in sentences were examined one by one.

Hurşid-name is a very rich art work. The wideness of inflection and construction affixes are quite interesting. The words in the text (such as: öğün, yazusu, umumuz, anaru, özge, ileyin, kutlurak, gökçek, ayruksı, aydın, koşun, uşbu, ilkin, tanla, burın, bundavuz, bezedi, dutarvan, togisar, bitürem, alayum) show that this work is a typical example of old Turkey Turkish.

The gerund form of learnt Past Tense (gör-üp-sin) is found in our text. The affix of Present Tense (-yor) is not seen yet. But the affixes -mada, -mede, -mekde and the varb yorı- is used in that meaning. In addition, in our text besides the participle meaning of the affix -acak, -ecek its future meaning is used.

As a result, it can be said that Hurşid-name is one of the important and valuable art works of Turkish language History.

11 AGUSTUS 2001

Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
Tez Özetleri 1990-1998, Konya, 1999. İSAM-DN:75074

cilt: I

Türk Dili ve Edebiyatı Araştırma Dalı
Türk Dili Bilim Dalı, Yüksek lisans tezi.